

سرمقاله

جوانگرایی در سینمای ایران
و دغدغه با تجربه‌هاسید محمد حسینی
منتقد سینما

جوانگرایی در سینمای ایران موجی است که از مدت‌ها پیش به راه افتاده و ثمره چند سال اخیرش هم معرفی استعدادهایی بوده که برخی از آن‌ها یک فیلمه باقیمانده‌اند و برخی دیگر توانسته‌اند خودشان و توانایی‌هایشان را اثبات کنند و به فیلمسازی ادامه دهند. نکته مهم و مورد بحث اینکه حاصل تلاش فیلمسازان جوان و تازه وارد به طور معمول اولین بار در جشنواره بین‌المللی فیلم فجر روی پرده رفته و مورد قضاوت قرار گرفته است. یعنی جشنواره از زمانی که بخش فیلم اولی‌ها را به برنامه‌ها و بخش‌هایش افزوده، توانسته به یکی از وظایف ذاتی‌اش که معرفی استعدادهای جوان است، عمل کند که البته جای خوشحالی و امیدواری هم دارد. اما به نظر می‌رسد اتاق فکری که توجه به نسل جوان را سرلوحه همه امور خود قرار داده است باید در کنار تلاش برای افزایش آمار تولید فیلم توسط فیلم اولی‌ها و کشف استعدادهای تازه در شهرستان‌ها، مراقب افزایش نگران‌کننده آمار تولید فیلم‌های اولی‌ها باشد که یگانه فیلم سازندگان جوانشان باقی می‌مانند و صرفاً به عنوان تجربه فیلم‌سازی در سینمای حرفه‌ای در کارنامه فیلمساز و سینمای ایران جای می‌گیرند. نمونه‌ها متعدد است و می‌شود در مجالی فراخ‌تر به همه آن‌ها پرداخت.

اهمیتی که جشنواره فیلم فجر برای فیلم اولی‌ها قائل است یکی از نقاط قوت آن است ولی در کنار دلخوش بودن به افزایش تعداد کارگردان‌های جوان که در جشنواره فیلم فجر تجربه اولشان را به نمایش می‌گذارند، شاید بهتر باشد بر گزار کنندگان جشنواره به عنوان بخشی از بدنه فعال و تصمیم‌گیرنده سینمای ایران مجالی را هم برای بررسی معضل توقف فیلم‌سازی بسیاری از چهره‌های جوان سینمای ایران پس از کارگردانی اولین فیلمشان در نظر بگیرند و به نوعی معلوم شود فیلم‌سازی که فیلم اولشان را در جشنواره به نمایش گذاشته‌اند در سال‌های بعد چه سرنوشتی پیدا کرده‌اند و اصلاً فیلم‌هایشان رنگ پرده را دیده‌اند؟ اگر پاسخ این سوال منفی باشد باید بررسی کرد و دید چرا هنوز برخی از آثار فیلمسازان جوانی که فیلم اولشان ابتدا در جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمده همچنان منتظر اکران عمومی آثارشان هستند. اگر نتوان پاسخی برای این سوال یا سوالاتی از این دست پیدا کرد، می‌توان این‌طور نتیجه گرفت که ظاهراً افزایش تولید فیلم‌های اول به نوعی حرکت در مسیر ارائه آمارهایی است که می‌تواند صرفاً نشان‌دهنده تلاش برای استعدادیابی باشد. بدون آنکه برای آینده استعدادهای کشف شده در سینمای ایران فکری کرده باشیم؛ سینمایی که ظرفیت نمایش فیلم سالانه‌اش بسیار محدود است و به رغم تلاش برای بالا بردن ظرفیت‌های نمایش فیلم در سینماهای ایران هنوز به جایی نرسیده‌ایم که بتوانیم ادعا کنیم به طور متوسط توان ایجاد مجال برای تداوم فعالیت ده‌ها کارگردان جدید ورود را داریم. پیشنهاد می‌کنم در کنار سر و سامان دادن به اوضاع ورود فیلمسازان جوان به عرصه سینمای حرفه‌ای با یک بررسی میدانی، آماری هم از فیلم‌سازی که طی سه دهه اخیر به جرگه سینماگران حرفه‌ای پیوستند و مدت‌هاست فیلم جدیدی از آن‌ها روی پرده نرفته تهیه کنیم. فیلم‌سازی که در مقاطع آثار مهمی را به کارنامه سینمای ایران افزوده‌اند و حالا به جای آنکه حداقل امکان کارگردانی یک فیلم در سال را داشته باشند به سریال‌سازی برای تلویزیون یا پلتفرم‌ها روی آورده‌اند. یا اصلاً دیگر امکانی برای ادامه فعالیت ندارند. سینمای ایران به ویژه در دهه اخیر تعداد قابل توجهی از سرمایه‌هایش را از دست داده است. بهروز افخمی و مسعود جعفری جوزانی و تا اندازه‌ای هم بهروز شعبانی تنها فیلم‌سازان فعال نسل‌های قدیمی‌تر سینمای ایران هستند که فیلمی در جشنواره امسال دارند و این نشان می‌دهد که در ایجاد توازن بین داشته‌هایمان چندان موفق نبوده‌ایم.

نگاهی به فیلم «تمساح خونی» به کارگردانی جواد عزتی

کمال مطلوب خوش بودن



داشته تا با درآوردن طنز هر موقعیت و پیوند آن به موقعیت بعدی، در چیدمان نهایی به یک خط روایی سراسر است و قابل قبول دست پیدا کند که متأسفانه چنین نشده و صرفاً می‌توان لم داد و از موقعیت‌های کمیک و طنز کلامی و هنرنمایی بازیگران طناز لذت برد.

شناخت فیلمساز از فضای کاری‌اش و قصد و نیت و تمرکز بر ارایی اثری مخاطب پسند و ارایی یک کمدی جذاب، با موفقیت نسبی همراه بوده است. اگر حساسیت‌ها و ریزنگری در فیلمنامه و موقعیت ژانر را کنار بگذارید و با پذیرش تماشای یک کمدی سرگرم کننده به تماشای فیلم بنشینید، با رضایت از سالن خارج خواهید شد. باز هم موکد کنم، خوش‌ریمیتی و تدوین مناسب فیلم در کنار تصویربرداری مناسب برخی صحنه‌ها، از جمله اصلی‌ترین مشخصه‌های خوش‌آیندی فیلم است.

کارگردان/بازیگر، با تکیه بر تجارب و شناختش از کمدی موقعیت، تلاش دارد تا در اولین فیلمش، استانداردهای موجود در سینمای کمدی را رعایت و حتی در یکی دو سکانس ویژه، توانایی خودش را در جمع و جور کردن خوب کار به نمایش بگذارد و به نوعی به کمال مطلوب خوش بودن با فیلم برسد.

رضا خسروزاد - هومن و پیمان، پادوهای دلال دلار با نقشه‌ی آن‌هایتا منشی رئیس و با بیست هزار دلار پول امانی دستشان در یک کلاپ خصوصی اقدام به قمار می‌کنند و موفق می‌شوند از فرید که دستیار دکتر هست پانصد هزار دلار ببرند و متواری شوند. تعقیب و گریز در طول شب اتفاقات جالبی را به دنبال دارد اما در نهایت...

فیلم پیش از آنکه فرصت کنی با شخصیت‌ها آشنا شوی شروع می‌شود و با همان شتاب پیش می‌رود. اما این سرعت و خوش‌ریمیتی با توجه به عدم پاسخ به چرایی و دلایل افعال آدم‌های داستان، سبب می‌شود تا تماشاگر بیش از آنکه درگیر داستان و ماجرا شود، صرفاً سرگرم فضای شوخ و مفرح فیلم شود تا منطق داستانی آن، پر بازیگری اثر و تکیه بر جذابیت‌های پیدا و پنهان کاراکترها و همچنین شوخی‌ها و طنز پررنگ موجود در کمدی سبب شده تا فیلم از رنگ و لعاب معمول یک اثر طنز برخوردار شود و بتواند تماشاگر را تا انتها سرگرم و همراه سازد.

در عین حال شکلی از بی‌نظمی و نوعی آشوب در صحنه‌ها، حاکم است که تماشاگر حساس را اذیت می‌کند. این عدم انسجام شاید از آنجا ناشی می‌شود که نگاه کارگردان به صحنه‌ها آیت‌م کاری بوده و تلاش

نگاهی به فیلم «دوروز دیرتر» ساخته اصغر نعیمی

دور از هدف!

زمینه‌فرزندآوری ساخته شده است، اما در کلیات و زیرمتن چنین مفهومی را بازتاب نمی‌دهد و بیانی الکن دارد. همچنین بازیگران این فیلم، در ظاهر متناسب با شخصیت‌های فیلمنامه انتخاب شده‌اند و هر یک پیش از این توانمندی‌های خود را در آثار گوناگونی به اثبات رسانده‌اند، اما فیلمساز موفق نشده تا آن‌ها را از قالب‌های همیشگی دور کرده تا ارائه‌ای متفاوت از خود بروز دهند. برای مثال شیوه‌نقش‌آفرینی فرهاد آبی‌ش، عینا از نقش‌های پیشین او خصوصاً فیلم «پوپک و مش ماشالله» و مجموعه «شمس‌العماره» (سامان مقدم) وام گرفته شده و حتی روتوش‌های جزئی بر روی او صورت نگرفته است. همچنین دامادهای این خانواده با بازی جواد

بیحیوی و سیاوش چراغی پور با توجه به نقشی که در پیش‌برد درام دارند، می‌توانستند پرداختی پر جزئیات داشته باشند اما حتی شمایلی کاملی از تیپ رانیز بازتاب نمی‌دهند و همه این موارد باعث شده تا در نهایت ساخته تازه نعیمی، کیفیتی زیر حد متوسط داشته باشد. بزرگترین ایرادی که به فیلم‌های مضمون‌محور سینمای ایران وارد است، باقی ماندن همه مشخصه‌های سینمای در سطح و ظاهر است، به گونه‌ای که گویا سازندگان اثر، تنها برای رفع تکلیف و نفع مالی به دنبال انجام مسئولیت‌های خود هستند. به علاوه چنین آثاری در روند شکل‌دهی و پرداخت روایی عموماً از مسائل و مشخصه‌های کلی را خود را آغاز کرده و تلاش می‌کنند تا به جزئیات دست یابد و گاهی، پی‌ریزی بنیان اشتباه مانع دستیابی سازندگان به هدف‌های تعیین شده می‌شوند. طبق گفته عوامل «دوروز دیرتر»، این فیلم با توجه به سیاست‌های تشویقی در زمینه‌فرزندآوری ساخته شده است، اما در کلیات و زیرمتن چنین مفهومی را بازتاب نمی‌دهد و بیانی الکن دارد.

عرفان صدیقیان - ژانر کمدی، از ساختارها و قواعد خاص خود در شخصیت‌پردازی و تعیین خط سیر روایی یک اثر بهره می‌برد. در عین حال، سینمای اجتماعی نیز در طی سال‌ها مولفه‌هایی را به کار گرفته است که به تدریج، صورتی تثبیت شده یافته‌اند. هنگامی که یک اثر، به دنبال تلفیق گونه کمدی در بستری اجتماعی باشد، برای حصول توفیق، باید ظرافت‌هایی پیچیده را دنبال کرده و جزئیات مختلفی را به کار بگیرد، چرا که نمونه‌های موفق داخلی و خارجی در این زمینه وجود دارند و هر فیلم در ذهن تماشاگران و خصوصاً سینه‌فیل‌ها، ناخودآگاه با این آثار مقایسه می‌شود. «دوروز دیرتر»

جدیدترین ساخته اصغر نعیمی، بهترین فیلم در کارنامه اوست، اما همچنان می‌توان نقدهایی جدی به آن وارد کرد که عمده آن‌ها به فیلمنامه این اثر بازمی‌گردد. ایده اولیه «دوروز دیرتر» را رضا مقصودی نوشته است و آشکارا شباهت‌هایی مضمونی با نخستین ساخته او «خجالت‌نکش» دارد. در این فیلم ایده‌های روایی فراوانی به شکلی کولاًژ گونه و بدون آنکه صورتی قوام یافته پیدا کنند، در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. از نقدهای سیاسی و اجتماعی گرفته تا شوخی‌های دم‌دستی با مسائلی همچون سحر و جادو، مصائب مهاجرت و مشکلات اقتصادی جوانان. نعیمی تلاش کرده تا فیلمی

مفرح و سرگرم‌کننده بسازد اما برای دستیابی به نتیجه‌ای درخور در این امر، نیاز به فاصله گرفتن از کلیشه‌های تثبیت شده وجود دارد. فیلم در شکل‌دهی به روایت و پرداخت شخصیت‌ها، رویکردی سطحی را در پیش گرفته است و منطقی در شیوه اعمال و رفتار شخصیت‌ها و همچنین انگیزه آن‌ها از رفتارشان به چشم نمی‌خورد. طبق گفته عوامل «دوروز دیرتر»، این فیلم با توجه به سیاست‌های تشویقی در

